

پژوهشنامه تمدن ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال اول، شماره سوم، بهار ۱۳۹۸

همزاد پنداری یا تقابل: بررسی نگاه سیاحان اروپایی بر اختلافات مذهبی در ایران عصر صفوی

صفورا ترک لادانی^۱

فاطمه خسروی^۲

چکیده

اختلافات مذهبی در دین اسلام میان شیعه و سنی مورد توجه سیاحان اروپایی در عهد صفویه قرار گرفته است، لذا سفرنامه‌های ایشان می‌تواند منبع مهمی در چگونگی معرفی این اختلافات باشد. از آن‌جا که تشیع توسط پادشاهان صفوی به عنوان مذهب رسمی در ایران شناخته شده بود فلذا بیشترین اطلاعات ارائه شده توسط این سیاحان در اعتقادات از منظر شیعی نگریسته می‌شد. در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است سعی می‌شود تا ضمن بیان اختلافات شیعه و سنی و سیاست مذهبی دولت صفوی، ابتدا به بررسی علل حضور سیاحان و نوع نگاه سیاحان به اختلافات موجود میان تشیع و تسنن در ایران و آن‌گاه به نحوه برخورد ایشان با این اختلافات پرداخته شود. از آن‌جا که مسیحیان پروتستان در قرن ۱۷ میلادی تحت آزار اکثریت کاتولیک بودند، به هنگام ورود به ایران، نوعی حس همزاد پنداری با شیعیانی که در برابر سنیان به عنوان اقلیت شناخته می‌شدند را در وجود خود یافته که این نوع نگاه در مرحله اول تحت بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه، رویکرد گروهی دیگر به عنوان سیاحانی کاتولیک که جزو طبقه اکثریت اروپای آن زمان بودند مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در پایان، نتیجه این دو رویکرد نشان دهنده‌ی جهت گیری‌های سیاسی حکومت‌های آن زمان در برخورد با تفاوت‌های مذهبی در عصر صفوی بوده است.

کلیدواژه: اختلافات مذهبی، تشیع، تسنن، سیاحان اروپایی، همزاد پنداری، تقابل

^۱. استادیار گروه فرانسه دانشگاه اصفهان.

^۲. کارشناس ارشد مطالعات فرانسه دانشگاه اصفهان

Identification or Confrontation: A Study of European Tourists' View of Iran's Religious Differences in the Safavid Age

Abstract

Religious differences in Islamic religion between Shiite and Sunni, especially in Iran, have always attracted the attention of European travelers during the Safavid period, so their itineraries can be an important source of information on the way these differences have been introduced. Since Shi'a was known by the Safavid kings as the official state religion of Iran, the most information provided by these travelers about beliefs was viewed from the Shi'a perspective. Thus, the focus of this study is on Shi'a and Sunni Islam in Iran. In this article, which is descriptive-analytical, while discussing the differences between Shi'a and Sunni and the religious politics of the Safavid government, it is attempted to explain the causes of the presence of tourists in Iran in the 17th century and to examine their views on the religious differences between Shi'a and Sunni, and how they deal with these differences. As Protestant Christians in the 17th century were persecuted by Catholics, they identified well with the Shiite minority in the Muslim world. this view is studied first. Then, the view of Catholic travelers who were the majority group in Europe is analyzed. Finally, the result of these two perspectives reflects the political orientations of the then-ruling governments in dealing with religious differences of the Safavid era.

Keywords: Religious differences, Shiism, Sunnism, European tourists, Identification, Confrontation

۱. مقدمه

سفرنامه‌های اروپائینی که در عصر صفویه نگاشته شده‌اند حاوی نکات ارزشمند تاریخی، اجتماعی و فرهنگی بوده و هدف اغلب این نویسندگان گزارش اوضاع ایران در آن دوره بوده است که حجم زیادی از منابع تاریخی دوره‌ی صفویه را تشکیل می‌دهند. سیاحانی که برای اولین بار به ایران به عنوان کشوری شیعه مذهب وارد می‌شدند با صحنه‌هایی کاملاً متفاوت از آنچه در سرزمین خود می‌افتند مواجه می‌شدند. مردمانی که از هر فرقه و نژادی به طور آزادانه مطابق مذهب خود رفتار می‌کردند. بنابراین این مطالب به عنوان نخستین اطلاعات مسافران درباره‌ی تشیع و شیعیان برای خوانندگان مشتاق اروپائی ارائه می‌شده است و همین امر باعث می‌شود تا بر ارزش کار آنان بیفزاید. اهمیت سفرنامه‌های عصر صفوی بیشتر از ادوار دیگر است چرا که در دوره‌ای مثل قاجار تقریباً اکثر مسافران با هدف سیاسی وارد ایران می‌شدند و در دوره‌ی صفوی تنها هدف سیاسی، یکی از چند هدف مسافران برای انتخاب ایران تلقی می‌شده است. در این جا ذکر این نکته ضروری است که سفرنامه‌ی شاردن به علت سکونت زیاد وی در ایران و در نتیجه آشنایی بیشتر با وجوه مذهب ایرانیان بیشتر از بقیه‌ی سفرنامه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. هرچند سفرنامه‌ی تاورنیه در وصف کاملی از مذهب، مناسک و آداب و رسوم ایرانیان دست کمی از سفرنامه‌ی شاردن ندارد. به علاوه شاردن تقریباً بیشتر از هم مسلکان خود توانسته درک درستی از اعتقادات ایرانیان داشته باشد و حتی گاهی به اشتباه خود در عدم درک درست یک رفتار اعتراف کند. از جمله مطالب مورد توجه تمام سیاحان در باب مذهب ایرانیان بصورت کلی جایگاه امام اول نزد ایرانیان، مراسم عزاداری محرم و نمایش‌های مذهبی در زمان برخی از شاهان صفوی نظیر شاه عباس اول است. بعضی از سفرنامه‌نویسان نظیر تاورنیه و شاردن بخش زیادی از نوشتار خود را به چگونگی برگزاری ماه محرم و اعتقادات مردم اختصاص داده‌اند، به همین سبب نکات مشترک زیادی از این باب در نوشتار سیاحان دیده می‌شود.

از آنجا که انتشار جلد هفتم سفرنامه شاردن مقارن با آغاز گسترش دست‌یازی غربیان به سرزمین‌های شرق بود، کتاب وی بسیار مورد توجه علاقه‌مندان به دیگر ممالک قرار گرفت. علاوه بر این نکته و به دلیل تسلط ژان شاردن به زبان فارسی و نزدیک‌تر بودن دیدگاه وی به واقعیت موجود در اسلام ایرانی، کتاب وی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. «شاردن هیچ حادثه‌ای را بدون بررسی علت و انگیزه‌ی آن نقل نمی‌کند و هرگز پدیده‌های اجتماعی را منتزع از مقتضیات تاریخی آن‌ها در نظر نمی‌گیرد» (حدیدی، ۱۳۴۴: ۳۱۴).

۱-۱. بیان مسئله

در روایت اکثر سیاحان و به ویژه شاردن، سه وجه آزادی دینی و عدم تعصبات مذهبی، ثروت‌های سرشار در ایران و نشانه‌های استبداد در قدرت حاکم بر سایر وجوه غلبه می‌یابد (علوی زاده، ۱۳۹۳: ۱۶۰). که در این مقال، توجه ما به وجه اول است. و حال سوال این است که نحوه‌ی بیان اختلافات مذهبی از نظر سیاحان اروپایی که همزمان با دوره‌ی صفوی، خود در بحبوحه‌ی اختلافات مذهبی بین دو فرقه‌ی کاتولیک و پروتستان بوده‌اند، چگونه می‌باشد؟ همچنین تاکید بر وجه آزادی دینی متضمن چه علتی بوده و تا چه میزان از ذهنیات ایشان تاثیر گرفته است؟ از آنجا که فضای اعتقادی سفرنامه‌نویسان، بسی متفاوت‌تر از فضای دینی جامعه‌ی ایران بوده، فلذا فرضیه‌ی تحقیق این است که در مرحله اول و به احتمال زیاد سیاحان این دوره در دریافت واقعیات موجود دچار سوء برداشت شده و در مواردی قضاوت نادرستی داشته‌اند، و در ادامه به دلیل وجود اختلافاتی که در میان مسیحیان آن زمان وجود داشته، گاهی صبقه همزاد‌پنداری و نیز در برخی موارد رویکرد تقابل در برابر دو جبهه‌ی تشیع و تسنن را اتخاذ می‌کردند.

۱-۲. پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه‌ی این تحقیق، دو دسته نوشته به چشم می‌خورد. دسته اول سفرنامه‌ها هستند که زیاد از آنان استفاده شده است و دسته‌ی دوم مقالات و کتاب‌های تحلیلی است که به صورت کلی درباره‌ی سفرنامه‌ها به قلم تحریر درآمده است. اما به طور خاص در باب نحوه‌ی مواجه شدن سیاحان اروپایی با این تفاوت‌های مذهبی در ایران صفوی تحقیقی صورت نگرفته است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

یقیناً بحث مذهب یکی از مطالب مهم انتقالی سیاحان از جامعه‌ی ایران بوده است؛ حال تبیین نوع نگاه سفرنامه‌نویسان به اختلافات آن هم در عصر صفوی که جدا شدن مذهب تشیع بصورت رسمی از تسنن مبرهن شد، حائز اهمیت است. مسیحیانی که خود با این اختلافات در سرزمینشان آگاه بوده‌اند و منشعب شدن پروتستان‌ها از مسیحیت زاده‌ی همین نزاع‌هاست. بایست خاطر نشان کرد که یکی از عوامل اسلام‌هراسی از درک ناصحیح این مسافران از آداب مذهبی کلید می‌خورد که ریشه‌ی آن به قرن دهم هجری برمی‌گردد. پس آگاهی‌اندیشی به پژوهش‌گران اولاً در بعد نظری در نشان دادن درک گاه‌ها مغرضانه‌ی این مسافران که هم با توجه به اختلاف عقیده بوده و هم با توجه به ماموریت سیاسی و راضی کردن هموطنان مسیحیشان است. ثانیاً در بعد عملی و موشکافانه‌تر که وجه نوآوری مقاله در همین نکته نهفته است، به نشان دادن نوع نگاه دو گروه کاتولیک و پروتستان نسبت به دو گروه تشیع و تسنن و در پایان نتیجه‌ی این دو رویکرد است: هویدا شدن جنبه‌ی رحمانیت تشیع در برخورد با مذاهب مختلف نتیجه‌ی طلایی این بررسی است.

۲. ایران عصر صفوی، نقطه توجه سیاحان

از قرن دهم هجری، آهنگ حضور سیاحان اروپایی به سرزمین‌های شرق شنیده شد. دوران قرون وسطی، روزگار پیشرفت ممالک اسلامی بود و در واقع تعداد مسافران مسلمان به نقاط دنیا به مراتب بیشتر از غربیان بود. اما پس از طی قرون وسطی و وارد شدن اروپا در تحولات فکری و اقتصادی، زمینه برای مسافرت سیاحان غربی به بلاد اسلامی فراهم گردید. اوج فعالیت مسافران اروپا در زمان شاه عباس اول در دوره صفویه است. انگیزه‌های مذهبی، سیاسی، اقتصادی و علمی از جمله دلایل مختلف توجه به ایران در این دوره بود است. بنابراین از میان تعداد قابل ملاحظه‌ی سفرنامه‌ها در قرون گذشته، آثار عهد صفوی نقش بیشتری در انتقال مفاهیم مذهبی داشته‌اند.

پیش از شروع حکومت صفوی، ایران عرصه‌ی نزاع میان مدعیان قدرت بود. حمله‌ی مغول سبب کشتار وسیعی از ایرانیان سنی مذهب شد. از آن‌جا که مغولان، تعصب خاصی نسبت به اسلام نداشته و از تساهل و تسامح بیشتری برخوردار بودند فلذا زمینه برای رشد مذهب تشیع فراهم شد. بعلاوه در قسمت‌هایی از کشور نظیر اصفهان اختلاف میان شافعی‌ها و حنفی‌ها، این دو فرقه‌ی تسنن، بالا گرفته بود؛ اغلب اهالی اصفهان تابع این دو فرقه بوده و پی در پی با هم درگیر بودند. بنابراین مردم ترجیح دادند تا با قبول یک مذهب نو به این درگیری‌ها پایان بخشند. رقابت قسمت‌های شیعه‌نشین و سنی‌نشین در کسب صدارت هم در شیعه شدن ایرانی‌ها بی‌تاثیر نبود؛ از آن‌جا که شیعیان در دولت صفویه توانسته بودند امتیازات بسیاری بدست آورند، بنابراین غالب سنی‌مذهب‌ان هم به مذهب شیعه گرویدند.

پس از سقوط خلافت عباسی توسط مغولان، اسلام در معرض خطر جدی قرار گرفت و همین زمینه را برای اتحاد علمای شیعه و سنی در سرتاسر ایران فراهم نمود. بعلاوه در زمان ایلخانان، سران شیعه توانستند در دربار نفوذ پیدا کرده و قدمی پیشاپیش در جهت رسمی کردن

تشیع در ایران بردارند. باید خاطرنشان کرد که روند شیعه شدن ایرانیان از پیش از دوره صفوی شروع شد، اما همچنان بدلیل تعداد زیاد اهل تسنن، کماکان شیعیان در اقلیت بسر می‌بردند.

در ابتدای حکومت‌داری شاه اسماعیل اول اکثر مردم ایران سنی بوده و اختلاف دینی شیعه و اهل تسنن به خصومت‌های سیاسی تبدیل شده بود. در دوران صفوی، عصر اعتلای ایران، سلاطین کوشیدند تا کشور را یکپارچه کنند که در این راه تا حدودی توفیق یافتند. باید اضافه کرد که در این راه نقش علمای شیعه مثال زدنی است؛ کسانی که با درایت و سیاست خود، قدرت حکومت صفویه را در خدمت دین و ترویج تشیع بعنوان مذهب رسمی ایران بکار گرفتند.

در سرزمینی که مذهب مردمانش رو به تغییر بوده و این جریان به مثابه ظهور اصلاحات در اروپا و پیدایش مذهب پروتستان در حال قوت گرفتن است فلذا میتوان شاهد کنجکاو و قیاس این دوگانگی مذهبی در اروپا با ایران، در نزد سیاحان اروپائی بود.

شاه عباس گاهی بنابر مصلحت کشور به منظور برقراری روابط تجاری از سنی‌ها استقبال کرده و روابط حسنه‌ای با ایشان برقرار می‌کرد. مشکلات وی با سنی مذهبان داخل و خارج کشور بر کسی پوشیده نیست تا حدی که برای دفع ترکان سنی مذهب مجبور به برقراری روابط با مسیحیان اروپایی شد و همین زمینه را برای ورود هرچه بیشتر مسیحیان و سیاحان غربی در ایران فراهم کرد. وی پس از استقلال ارمنیان مسیحی در اصفهان، ایشان را در منطقه‌ای به نام جلفا سکنی داد به گونه‌ایکه این منطقه به عنوان مرکزی برای فعالیت مسیحیان و ترویج دین مسیحی در شهر اصفهان شد. به جهت کسب منافع اقتصادی برای خود و ایران دروازه‌های کشور را برای ورود تاجران اروپایی باز گذاشت چرا که از قبل آن‌ها، آرزوی عقد قراردادهای تجاری را در سر می‌پروراند. برای تحکیم وحدت با اروپائیان، شاه عباس در مناسک مذهبی آنان شرکت می‌کرد که این حسن رابطه، منجر به بنا نهادن کنیسه‌ها در اصفهان و دیگر

شهرهای ایران شد. به علاوه شاه عباس علاقه زیادی به شناخت دین مسیحیت داشت و با مطالعه کتاب‌های تاریخی و دینی مسیحیان (خاتون آبادی، ۱۳۷۵: ۶۷) و تحقیق و تفحص کردن از مسئولان اروپایی در ملاقات‌های خود با ایشان، اطلاعات زیادی در این رابطه کسب می‌کرد. همچنین رفتار مسالمت‌آمیز و بدون خشونت مردم با مسافران اروپایی زمینه را برای عبور و مرور هرچه بیشتر آنان فراهم می‌نمود. شاردن برخورد ایرانیان با بیگانگان را چنین توصیف می‌کند:

« یکی از پسندیده‌ترین صفات ایرانیان، انسانیت و عطوفت آنان نسبت به بیگانگان است. استقبال گرم از خارجی‌ان، حمایت و صیانت آنان و خوش پذیرایی از تمام آدمیان، تساهل حتی نسبت به مذاهب مجعول و کاذب و نفرت‌آمیز در نظر ایشان، این همه از خصوصیات ممتاز ایرانیان است. ایرانیان را در مورد مذهب بسیار نیک فطرت و با مروت خواهید یافت» (شاردن، ۱۳۵۰: ۱۴۷۰/۴).

۳. تقابل دو مذهب در دو نگاه

از میان بخش‌های اصلی مسیحیت، مذهب پروتستان به نام نهضت اصلاحات دینی به رهبری لوتر^۱ و کالون^۲ همزمان با عصر صفوی شکل گرفت. مبلغان مسیحی حاضر در ایران طی حکومت صفویه تقریباً همه از فرقه‌ی کاتولیک بودند اما در بین آنان پیروان پروتستانی هم دیده می‌شد. پس از قرون وسطی و فراغت مسیحیان از جنگ‌های صلیبی، کم‌کم این دغدغه مطرح شد که کلیسای روم از تعالیم راستین مسیحیت، که توسط عیسی (ع) و رسولان بیان شده، فاصله گرفته است. این گروه تاکید می‌کردند که کلیسا آنچه را به نظر خود درست می‌داند، بعنوان دین به مردم ارائه و آنان را به پذیرش وادار می‌نماید (Bainton, 1956 : 54). بر

^۱ .Martin Luther

^۲ .Jean Calvin

این اساس میان کلیسای کاتولیک و اصلاح گران، بر سر مسئله حجیت و مرجعیت کلیسا اختلاف به وجود آمد. مخالفانی که خواهان اصلاحات بودند، کتاب مقدس را تنها منبع اساسی برای ایمان مسیحی می دانستند و احکام صادره از مقام پاپ و قوانین کلیسایی نزد آنان، از اعتبار چندانی برخوردار نبود (لین، ۱۳۸۰ : ۳۶۱). روحانیون دارای امتیازات دنیوی بوده و به جای پرداختن به رسالت آسمانی و مسئولیت معنوی خود با اربابان قدرت و زور همدست شده بود به گونه ای که از طریق مراسم عبادی درآمدهای سرشاری نصیب روحانیون می شد و همین زمینه را برای فساد اخلاقی آنان و گرایش به تشریفات شاهانه ی فراهم می کرد. اعتراف به گناه توسط مردم، بیش از آن که برای خدا باشد برای جلب رضایت کشیشان بود. بنابراین فاصله گرفتن کلیسای روم از تعالیم مسیحیت منجر به جدایی دسته ای از مسیحیان با عنوان «اصلاحگران»، یا «پروتستان» از شاخه ی اصلی خود شد؛ عاملی که زمینه ای برای جدال با آنان در سرتاسر اروپا و فراری دادن آنان از سرزمین مادریشان شد. بنابراین عده ای نظیر سیاحان، ایران را مامنی مناسب می دیدند که در آن تساهل و تسامح مذهبی برقرار بوده و می تواند مرهمی بر زخم ایجاد شده توسط هم کیشان خود باشد.

همزمان با این درگیری ها در اروپا، و قبل از تاسیس سلسله صفوی شاهان ایران در حال تغییر مذهب از تسنن به تشیع بودند. با این تفاوت که در ایران مذهب شیعه در زمان صفویه با جمعیتی بیشتر از تسنن در حال تبدیل شدن به مذهب رسمی کشور بود اما در بیرون از مرزهای ایران تسنن طرفداران بیشتری داشت، اما هم چنان روح در اقلیت بودن تشیع بر کشور حاکم بود. تمایزات بین شیعه و سنی از چشم سیاحان به خصوص مبلغان پوشیده نمانده و به دلیل فراوانی تعداد سفرنامه ها در این عصر، این اختلافات در نوشته های سیاحان کاتولیک و پروتستان به طور گسترده ملاحظه می شود. مخصوصا با به رسمیت شناخته شدن مذهب تشیع در سراسر ایران، مطالب زیادی در این باب در سفرنامه هایشان به چشم می خورد.

محورهای مورد توجه سیاحان درباره‌ی تشیع در سه بخش تنظیم می‌شود: ۱. عقاید شیعه ۲. آداب و سنن مذهبی ۳. احکام عبادی

۳-۱. **مبلغان کاتولیک:** اولناریوس^۱ کاتولیک که در زمان شاه عباس اول صفوی وارد ایران شد، ضمن بیان عقاید شیعیان، چهار رکن اختلاف شیعه و سنی را در مسائل امامت، عبادات و مراسم دینی، معجزات بزرگان و تفسیر قرآن می‌داند. وی به این اختلاف در زمینه برخی از احکام نماز مثل نماز خواندن با دست آویخته، چگونگی سلام دادن در نماز و شیوه وضو گرفتن اشاره می‌کند (اولناریوس، ۱۳۸۵: ۷۶۰). از نگاه وی، به عنوان مثال، ترک‌های عثمانی به خاطر برگزاری مراسم شهادت توسط شیعیان، آن‌ها را مورد اهانت قرار می‌دهند (همان، ۷۵۷). از اعتقادات شیعه مسئله‌ی امامت و مهدویت است؛ اولناریوس مختصراً به وجود دوازده امام، حکومت و جنگ‌های امام اول و غائب شدن امام دوازدهم اشاره کرده و اسمی از دیگر ائمه به میان نمی‌آورد. توضیحات کمپفر، در رابطه با ظهور امام دوازدهم و برپایی عدل و قسط و توضیحاتی کلی از دوازده امام است. اشاره انگلبرت کمپفر کاتولیک که از کشور سوئد در منصب سفیر در زمان شاه سلیمان صفوی به ایران آمده بود، عدم قبولی سه خلیفه پس از پیامبر به عنوان جانشین توسط شیعیان را اختلاف بین شیعه و سنی می‌داند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۲). در مورد جانشینی پس از پیامبر، کمپفر به واقعه غدیر خم اشاره می‌کند که به اعتقاد شیعیان ایرانی، بر اثر معجزه، پیامبر و امام اول به یک جسم و روح تبدیل می‌شوند و همین مدرک خوبی از سمت شیعیان علیه ترک‌های عثمانی برای تصمیم پیامبر در انتخاب علی (ع) به عنوان جانشین پس از خود است (همان، ۱۸۳). در جایی دیگر می‌گوید:

«مقابر یا بقاع متبرکه‌ای وجود دارند که از نظر تقدس و طرز ساختمان با مساجد به چشم و هم چشمی برخاسته‌اند. حالت احترام آور تعظیم ایرانیان برای چنین مقبره‌هایی حیرت آور است. به خصوص آن بناهایی که اجداد دوازده امام را در آن‌ها دفن کرده‌اند و در نتیجه

^۱ Adam Olearius

امامزاده نامیده می‌شوند و مورد توجه خاص قرار دارند. ایرانیان به مذهب شیعه اثنی-عشری پایبند هستند؛ یعنی دوازده تن از ائمه را به دلیل اینکه از پشت پیغمبر هستند منحصرأً محق برای رسیدن به خلافت یا جانشینی پیغمبر و در نتیجه، فرمانروایی بر مومنین می‌دانند. این ائمه دارای زندگی پاک و مقدس بی نظیری بودند و معجزات و کراماتی از آن‌ها سر زده است و به همین دلیل امروزه مورد تحسین و قبله حاجات مردم هستند» (همان، ۱۳۳).

کمپفر به سفرهای زیارتی ایران به عراق نیز می‌پردازد؛ اما در این خصوص دچار اشتباه شده و گمان کرده است که قبر علی(ع) در کربلا بوده است؛ «شیعیان به کربلا واقع در عراق می‌روند تا قبر مرتضی علی یعنی امام اول را که این قدر مورد اعجاب و ستایش آن‌هاست زیارت کنند. خطر این زیارت بیشتر از وقتی است که می‌گیرد؛ زیرا کربلا چندان از مملکت ایران فاصله ندارد ولی در عوض در قلمرو ترک‌ها واقع است و همین ترک‌ها هستند که با طرفداران علی، دشمنی صلبی و بطنی دارند. زائران قطعاتی از تربت علی را با خود می‌آورند و در نماز از آن استفاده می‌کنند» (همان، ۱۷۷). کمپفر می‌گوید در سفرهای زیارتی شیعیان به عراق و مکه، آن‌ها خود را شافعی مذهب جا می‌زدند تا با امنیت به امور خود در سفر بپردازند (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۷۷). و یا کروسینسکی کشیش لهستانی، که در سال ۱۷۰۷م. به ایران سفر کرد و شاهد سقوط صفویه بوده، معتقد است از دلایل زوال دولت صفویه قدغن کردن زیارت حج و به جای آن ترویج زیارت قبور ائمه و سایر مقابر از جمله امام هشتم توسط شاه عباس بود و ایرانیان که نهایت اصرار به دعوی اسلام دارند، برای اجرای قانون شرع در اواخر ایام سلطنت صفویه، اهتمام نمی‌کردند، این کار شاه عباس باعث شد مستطیعان و ضعفای بلاد اسلام، روز و شب دعای بد و نفرین به جان پادشاه عصر خود کنند» (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۲۵).

آداب و رسوم ایرانیان را بسیاری از سیاحان از نزدیک شاهد بوده‌اند از جمله فیگوئرا کاتولیک که بخاطر سکونت در کنار مسجد، تقریباً شاهد بسیاری از مراسمات از جمله آیین عزاداری امام حسین (ع) بود. توضیحات مفصل او از شرکت مردم در مسجد به منظور برپایی

عزاداری، جمع آوری نذری که به اشتباه آن را صدقه می خواند بغض شیعیان نسبت به سنی ها به سبب شهادت امام سوم بعنوان عامل اختلاف آنان حاصل مشاهدات وی است (فیگوئرا، ۱۳۶۴: ۳۰۷). از دیگر عوامل اختلاف شیعه و سنی برگزاری جشن نهم ربیع الاول است. کروسینسکی در این باره نوشته است: «از جمله شورش هایی که به بهانه ی برگزاری آیین هایی چون «عید بابا شجاع الدین» به همراه لعن، در قلمرو صفویان به وقوع پیوست، شورش میرویس افغان و افرادش بود. وی برای جلب حمایت عمومی اهل سنت از شورش خویش سعی کرد از علمای اهل سنت در بلاد مختلف، فتوای جهاد و مبارزه با اهل سنت را بگیرد» (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۳۵-۳۶).

اولثاریوس درباره ی استفاده ی ایرانیان (شیعیان) از مهر در نماز و تهیه ی مهرهایی از تربت امام اول و امام سوم مطالبی نوشته است (اولثاریوس، ۱۳۶۳: ۷۶۰). کمپفر نیز ضمن اشاره به این رسم ایرانیان می گوید: «در حین نماز باید زمین را بوسه زد و از آن جا که خاک همیشه آلوده و ناپاک است، مگر آن که استخوان پاکان را در خود مدفون کرده باشد. ایرانیان تربت امام اول را برای مهر نماز برگزیده اند» (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۷۸).

۲-۳. پروتستان: تسامح و اغماض بیش از حد ایرانیان نسبت به دیگر ادیان بیش از همه توجه سیاحان پروتستان همچون تاورنیه و شاردن را جلب کرده و ایشان را در کسب اطلاعات از مذاهب ایران آن عصر یاری می داد. تاورنیه ی پروتستان^۱ شرح کاملی از مذهب ایرانیان، عزاداری امام دوم و سوم و دیگر ائمه و برخی مسائل مربوط به آنان را ارائه می دهد و تنها به شیعیان اکتفا نمی کند (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۱۸۶). شاردن پروتستان، مفهوم امامت و پادشاهی را یکی دانسته و درباره اعتقاد شیعیان می گوید: «بنابراین، پادشاهی به تمام معنا موهبتی است که خدا به پیامبرانش عطا می فرماید و پس از او این حق به امامان منتقل می گردد» (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۱۴۲). درباره ی امام دوازدهم، وی معتقد است که نفر دوازدهم که آخرین امام است، به اراده

^۱ Bertrand Tavernier.

پروردگار پنهان می‌شود و روزی ظهور می‌کند. در زمان ظهور، عدل و داد را برپا و کافران را مسلمان می‌کند (همان، ۴۲).

از دیگر موضوعات مورد توجه سیاحان، جایگاه امام اول در باورهای عامه و انعکاس آن در آثارشان می‌باشد. در برداشت سیاحان، امام اول از نظر ایرانیان، انسان کاملی است که تمام فضایل را داراست، و در این زمینه تا اندازه‌ای افراط می‌کنند به گونه‌ای که حتی بصورت متناقض و غلوآمیز نسبت‌هایی به او داده می‌شود (پناهی، ۱۳۸۸: ۶۷). سیاحان، مراسم عزاداری ماه محرم را به جهت اهمیت آن در بین شیعیان ایرانی بیشتر از سایر مراسم و آداب و رسوم مردم ایران توصیف کرده‌اند. برخی از سفرنامه‌نویسان نظیر تاورنیه و شاردن بخش زیادی از سفرنامه خود را به چگونگی برگزاری مراسم ماه محرم و اعتقادات و باورهای مردم نسبت به آن اختصاص داده‌اند. از دیدگاه سیاحان اروپائی، مراسم ماه محرم و عزاداری‌ها یکی دیگر از ویژگی‌های جامعه‌ی شیعه مذهب ایران بوده است. هرچند مشاهدات سیاحان چندان دقیق و مبتنی بر روح واقعی پدیده‌ی اجتماعی مورد اشاره نبوده است، اما میتوان نتیجه گرفت که این تنها صورتی از انعکاس مذهب ایران برای سیاحانی بوده که علاقه مند به شناخت نسبت به معنویت شرقی بوده‌اند.

۴. تساهل و تسامح در اسلام ایرانی

استقبال شاهان صفوی و وجود شرایط آزاد دینی در ایران به ویژه برای پروتستان‌ها خوشایند بود. از سال ۱۶۵۰ به بعد دولت فرانسه تحت تاثیر کاتولیک‌های متعصب به آزدن پروتستان‌ها پرداخت. در نتیجه گروه‌های بیشماری از آنان جلای وطن کردند و به سایر کشورهای اروپایی رفتند. گروهی نیز برای تجارت راه سفر در پیش گرفتند. پروتستان‌ها ایران را کشور آزادی و مساوات معرفی کردند زیرا در حالی که فرانسویان آنان را به قتل می‌رساندند، شاهان صفوی مسیحیان را با آغوش باز می‌پذیرفتند. در پاریس پیروان کالون و لوتر آرامش

نداشتند اما مردم اصفهان از ارمنی و آشوری و زرتشتی حمایت می کردند و شاهان صفوی گروهی از ایشان را در دستگاه حکومتی به خدمت گرفتند (حدیدی، ۱۳۴۴: ۳۰۵).

طبق گفته‌ی شخص شاردن، وی فقط به قصد کار جواهرفروشی به شرق سفر نکرده بلکه برای افزایش شناخت بر روی زبان‌ها، اخلاقیات، مذاهب، هنرها، تجارت و تاریخ مشرق زمین این مسیر طولانی را پیموده است. پس از بازگشت از شرق متوجه ناتوانی کشورش در پذیرش مذهب اقلیت یعنی پروتستان می شود؛ یا باید دست از مذهب کشید یا جایی دیگر را برای زندگی انتخاب کرد. وی به کشور هند فکر می کند جایی که می تواند بدون تغییر مذهب، بدون تغییر شغل تجارت و بدون از دست دادن آرزوهای تحقق نیافته اش با خیالی راحت زندگی کند. اینجاست که شرق را به عنوان مکانی آزاد در پذیرش مذاهب‌های اقلیت و غرب را در مواجهه با این مسئله، بسته معرفی می کند. برای نشان دادن شرق نام «هند» را به کل این سرزمین‌ها اختصاص می دهد؛ جایی که کمپانی هند شرقی بدون هیچ فشار مذهبی به فعالیت‌های تجاری مبادرت می کند. وی با مقایسه‌ی شهر اصفهان با تابلوی تاریک فرانسه، این شهر را مامن مناسبی دانسته که به تمام فرقه‌های مذهبی احترام می گذارد. شاردن در نامه‌ای به برادرش که مانند او یک پروتستان پناهنده در خارج از کشور بود، می نویسد: «کسانی که در پاریس بسر می برند ما را مردمی می دانند که باید در آتش سوزاند... مدت هاست که می دانم دیگر کسی مرا در فرانسه دوست ندارد» (شاردن، ۱۳۶۲: ۱۴۸).

۴-۱. نمود تشیع و مظاهر آن در سفرنامه‌ها

لازم به ذکر است که غربی‌ها اهل سنت را اصل اسلام و مذهب تشیع را فرع آن می دانستند، زیرا پس از رحلت پیامبر به خاطر اختلاف بر سر مسئله جانشینی حضرت رسول (ص)، جامعه به دو بخش اقلیت و اکثریت تقسیم شده که اکنون در قرن ۱۷م. اکثریت جمعیت سنی مذهب حدود ۸۵ درصد مسلمانان را تشکیل می داده که در برابر اقلیت شیعی با جمعیتی قالب

بر ۱۵ درصد قرار گرفته بودند. لذا توجه غربیان همواره معطوف به اکثریت بوده است (طباطبایی، ۱۳۴۸، دونالدسن، ۱۹۳۳). اما تشیع به دلیل پویایی در فقه خود موفق شده بود تا در برابر عثمانی‌های سنی مذهب که خود را در راس جهان اسلام می‌دیده و شیعیان را رافضی معرفی می‌کردند مقابله کرده و به رشد و شکوفائی برسد. بنابراین، مهم‌ترین ویژگی سفرنامه‌های اروپاییان در عهد صفوی، مربوط به افزایش دانش آنان در باب تشیع و روند تحولات این مذهب بود. اما این شناخت کم کافی نبوده و در کل کم‌توجهی به شیعه، نه فقط در کلام شیعه که در اصل و اساس تاریخی این مذهب نیز سریان دارد (احمدوند، ۱۳۷۷: ۱۵۶). به عنوان مثال ادوارد براون در تاریخ ادبیاتش می‌گوید: ما هنوز هیچ اثر جامع و معتبری به زبان‌های غربی در مورد شیعه نداریم (Brown, 1953: 418).

از آنجاکه اغلب این سفرنامه‌نویسان مأمور رسمی دولت یا کلیسا بودند، تعلق خاص آن‌ها به دولت متبوع خود یا به کلیسا مانع می‌شد تا بخواهند درک درستی از مذهب تشیع داشته باشند. آن‌ها دین خود را بالاتر از هر دین و مسلکی می‌دانستند. به عنوان مثال تاورنیه در شرح داستان یک فرانسوی به نام برنار که شاه سلیمان صفوی از او می‌خواهد مسلمان شود، می‌نویسد: « در این مدت پدر رافائل فرصت یافت تا با برنار حرف بزند و او را تشویق به استواری و مقاومت کند و رستگاری جاودانه را به تمامی وعده‌های شاه ترجیح دهد» (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۱۶۰). و یا بدلیل درک نادرست از ازدواج موقت در اسلام، اغلب آنان را با رفیقه‌های اروپایی یا فحشا اشتباه می‌گرفتند. همچنین شاردن در جلد مخصوص به اصفهان نوشته است که در سال ۱۶۶۶م. نام و نشان ۱۴ هزار روسپی در اصفهان به ثبت رسیده بود (شاردن، ۱۳۶۲: ۱۳۳۷). حجاب زنان از مهم‌ترین مسائلی است که اکثر این سفرنامه‌نویس‌ها نتوانستند درک درستی از آن داشته باشند؛ از این‌رو تلاش کرده‌اند تا آن را به حسادت مردان (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۲۹) و خودخواهی مردانه و زندگی مردسالارانه در ایران معنا کنند و چنین وانمود می‌کنند که زنان در

زندان همیشگی بسر می‌برند و اگر روزی بتوانند، حتماً از آن خارج خواهند شد (همان، ۵۸، اولئاریوس، ۱۳۶۳: ۳۵۲).

از دیگر موارد عدم درک اروپائیان مسئله عزاداری امام حسین (ع) می‌باشد. برای نمونه کمپفر در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد:

« ایرانیان ده روز اول محرم را هر ساله به تجدید خاطره‌ی این واقعه‌ی جان‌سوز می‌گذرانند... به زودی رقصی آغاز می‌شود که در ضمن آن، نام حسین را به صدای بلند ذکر می‌کنند نه با ناله و شکوه، بلکه با صدایی خشنماک، به تبعیت از آهنگ آواز، نوحه‌خوانان در دایره‌ای کنار هم جمع می‌شوند و در عین این که پا بر زمین می‌کوبند سینه را با مشت می‌زنند. کسی که با این مراسم آشنا نباشد شاید پندارد که ساحران را در حال رقص می‌بیند، آری حرکات و چهره‌ی کسانی که در عزاداری شرکت کرده‌اند حالتی چنین خشمانه و انتقام‌جویانه دارد» (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۸۰-۱۸۱). از تغییرات ایجاد شده توسط شیعه در دوره‌ی صفویه، اضافه شدن ایام سوگواری از ده روز محرم به دوماه محرم و صفر است؛ پس عزاداری چهلم امام سوم (ع)، ایام شهادت امام دوم (ع)، رحلت پیامبر (ص) و شهادت امام هشتم (ع) نیز مورد توجه قرار گرفت. کمپفر در نوشته‌های خویش از مراسم چهلم شهادت امام سوم یاد می‌کند. هرچند به تعبیر مورخان، اظهارات وی با اعتقادات مردم هم‌خوانی ندارد. وی درباره‌ی شهادت امام دوم (ع) می‌نویسد: «در بیست و هشتم صفر، ایرانیان بر سرنوشت غم‌انگیز امام دوم برادر امام سوم که به خدعه‌ی دشمنانش از سر راه برداشته شد، اشک می‌ریزند» (همان).

تاورنیه معتقد است که شاه عباس قبر امام هشتم (ع) را اختراع کرده تا بتواند زیارتگاهی در مقابل بقاع عراق و عربستان علم کند (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۱۹۰). کمپفر نیز اعتقاد دارد: «خیلی شده است که برای تقویت اعتقاد زائران خدام کسی را وادار کرده‌اند که خود را به نابینایی بزند. هنگامی که این مرد در اثر توسل به امام رضا ظاهراً بینایی خود را باز یافته، شفا یافته را به نشان اجلال و اکرام در کوچه‌های مشهد مشایعت کنند... هنگامی که این نمایش به پایان رسید،

بازیگر اصلی از متولیان لباس نویی می گیرد و درحالی که هدایای بسیاری به چنگ آورده پی کارخود می رود» (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۳۳).

پیتر و دلاواله، سیاح ایتالیایی، ۵ سال در خدمت شاه عباس بود. وی کاتولیک متعصبی بود و متأسفانه درباره شیعیان نیز بی طرفانه قضاوت نکرده است. و حتی به شاه عباس مخصوصاً در مواردی که پای دین در میان است، مطالبی ناروا نسبت می دهد، اما پس از اقامت در ایران، در دیدگاهش تجدیدنظر کرده است و بیان کرده که شاه عباس از روی بصیرت، کارهای خود را انجام می داده است (دلاواله، ۱۳۷۰). می توان اذعان کرد که تصویری که کشیشان متعصب کاتولیک از قرون وسطی درباره اسلام، در ذهن اروپائیان ترسیم کرده اند تصویری هراس انگیز بوده به گونه ای که تمام ملل مشرق زمین را کافر می خواندند. حتی پروتستانی چون شاردن که بسیاری از اسناد لازم برای مبارزه علیه این تصویر هراس انگیز از ایران را از سفرنامه نقل می کنیم، در این زمینه به جرگه ی آنان می پیوندد و می گوید که اسلام دربردارنده ی تمام نادرستی هاست: « اگر به آیین محمدی درست بنگریم درمی یابیم که این آیین بخشی از یهودیت نیست (...)، بلکه چیزی جز آن نیست. از ادیان دیگر نشانه های کمی دیده می شود و هیچ موضوع جدید یا مطلب خاص در آن به چشم نمی خورد» (Chardin, 1811: 6/177-182). البته سیاحان پروتستان مذهبی چون شاردن یا عالمانی چون پیر بل پروتستان (Pierre Bayle)، علیرغم جبهه گیری گاه منفی خود علیه اسلام، اغلب، مبلغان و نویسندگان کاتولیک را نیز، به خاطر ایجاد وحشت علیه اسلام و پیامبر آن، شدیداً نکوهش می کنند (فروغی، ۱۳۸۱: ۶۷).

۲-۴. همزاد پنداری یا تقابل

شاردن در سفرنامه ی خود به موضوع مذهب و به ویژه تشیع توجهی ویژه داشته است. شاید این امر ناشی از آن بود که وی شدیداً به امور مذهبی علاقمند و احتمالاً به این دلیل بوده

که وی پروتستانی مومن و معتقد بوده است. وی درباره تشیع که مذهب اکثریت ایرانیان بود اطلاعاتی مبسوط ارائه می‌دهد. به دلیل توجه اروپائیان به سفرنامه‌ی شاردن، این اطلاعات درباره‌ی تشیع در اروپای آن روزگار اهمیتی ویژه پیدا کرد. شاردن مایل بود اروپائیان اطلاعات کافی درباره مذهبی که با مذهب خودشان تفاوت داشت، کسب کنند. افزون بر آن او اطلاعاتی درباره‌ی خرده مذاهب موجود در ایران آن روزگار در سفرنامه خود ارائه می‌دهد.

شاردن که خود از اقلیت پروتستان اروپاست، با پرداختن به اختلافات مذهبی شرقیان، دریچه‌ای دیگر در نگاه مخاطبان آثارش می‌گشاید. در نوشته‌های وی، گاه اندک، متوجه همزادپنداری وی با شیعیان ایران یعنی طرفداران امام علی (ع) می‌شویم. از نگاه او، پروتستان و تشیع تنها از منظر طرد شدن از سمت کاتولیک‌ها و اهل تسنن مشترک نیستند، بلکه از نظر احترام به مذاهب اقلیت دیگر و دادن آزادی به انجام امور به هم نزدیک هستند. نکته‌ی دیگر وی، حالات و اعمال پاپ است که نوعی اشتراک عقیده بین شیعیان و پروتستان‌ها را موجب می‌شود: از جمله می‌توان به نحوه‌ی شکرگزاری بت پرستانه از خداوند توسط کاتولیک‌ها اشاره کرد که بشدت از سوی جنبش رفرم مسیحی (پروتستان) رد شد و اعتراض بسیاری از آن‌ها را بدنبال داشت. ژان شاردن با بیان این مطالب برای ایرانیان، چهره‌ای مشترک گونه و پر از تناقض و پوچی را از کاتولیسیسم ارائه می‌دهد. بنابراین شاردن معتقد است که عدم سازگاری بین کاتولیسیسم و مذهب غالب در دنیای شرق (تسنن) باعث ایجاد نوعی همگرایی عقیدتی در بین اصلاح‌طلبان مسیحی و مسلمانان ایرانی (تشیع) شود. به همین خاطر است که وی شاهد استقبال بسیار گرم کارملیت‌ها^۱ از سیاحان در شیراز بوده: «کارملیت‌ها با مهربانی و عطوفت خاصی با سیاحان اروپایی از هر مذهبی که بودند برخورد می‌کردند و این تنها ثمره‌ی حضورشان در این شهر بود. آن‌ها حتی اعتراف کردند که نتوانسته یک نفر را مسیحی کنند و این به خاطر نداشتن

۱. یکی از مهم‌ترین هیئت‌های تبلیغی کاتولیک و فرستادگان پاپ در دوره‌ی صفوی

علم و آگاهی کافی در این زمینه نبود بلکه اعتقاد داشتند که زمان تغییر دادن غیر مسیحیان هنوز نرسیده است چرا که نمی‌توانند بگویند که مذهب رومی‌ها کامل‌ترین مذاهب است و چیزی به اندازه‌ی پرستش تصاویر در مذهب مسیحی با باورهایشان در تضاد نیست، چیزی که قرن‌ها در روح و ذهنشان فرو رفته است» (Chardin, 2/206 : 1811). اگر مذهب کاتولیک مناسب برای تغییر دادن دین مسلمانان به مسیحیت نیست، از منظر این سیاحان، دیگر فرقه‌های مسیحیت برای این کار مناسب‌ترند و اگر توجه و اهمیت به تصاویر در آیین کاتولیک در نزد مسلمانان مذموم و ناپسند شمرده می‌شود، این دلیل مناسبی است که گرایش به مذهب پروتستان منتج به نتایج بهتری شود. به همین خاطر است که شاردن بعنوان کسی که با واقعیت جامعه ایرانی بسیار بیشتر از دیگر سیاحان آشنایی داشت، بر ارسال مبلغان اصلاح طلب اصرار می‌ورزید. و زمانی که می‌گوید: «زمان تغییر دادن دین کافران هنوز نرسیده است» بر این امر تاکید می‌کند که جامعه‌ی ایرانی آن زمان هنوز نمی‌تواند با اعتقادات کاتولیکی کنار بیایند چرا که هیچ‌گونه همگرایی و یا همزادپنداری بین این دو دسته حاصل نخواهد شد. بنابراین پذیرشی از آن در بین ایرانیان صورت نخواهد گرفت.

شاردن در برخی موارد سعی در بی‌اعتبار نشان دادن مذهب تسنن می‌کند؛ از توهین‌ها، جایگاه، عملکرد و مسئولیت‌های تقسیم‌شده بین دو مذهب (شیعه و سنی/ پروتستان و کاتولیک) که به مانند یک زوج مخالف هم هستند، می‌توان این مطلب را نتیجه گرفت. در سفرنامه اش در پاسخ به این سوال که «کدام دین در سرزمین ایران رنج کشیده‌تر است؟» (1811 Chardin, : 3/426) این‌گونه جواب می‌دهد: «دولت صفوی با بکاربردن اصول شکیبایی اسلامی [دین اسلام] حکمرانی می‌کند» (Ibid). هدف وی از گفتن این جمله تساهل اسلام با دیگر ادیان است و از کلمه‌ی «رنج کشیده» در توصیف مسلمانان استفاده می‌نماید و از آن‌جا که در ایران صفوی، غالب جمعیت شیعیان بودند بنابراین آنان صبورترین فرقه در ایران بشمار می‌آیند. در جایی شاردن می‌گوید که:

« یکی از معیارهای دین اسلام این است که با همه مذاهب سر مدارا دارد. البته این امر تا زمانی است که آنان جزیه خویش را پرداخت کنند. بنابراین مسیحیان، یهودیان و حتی کفار در پناه حاکمیت اسلامی قرار می گیرند و می توانند به کارهای مورد علاقه خویش بپردازند و مراسم عبادی خویش را به جا آورند. هرچند مسلمان با غیر مسلمان یکسان انگاشته نمی شود و آنان مجبورند جزیه پرداخت کنند. با این همه وضع زندگانی این اقلیت ها در ایران بهتر از وضع هم کیشان آنان در اروپای این روزگار است زیرا می توانند در جامعه اسلامی زندگی کنند و بر طبق سنن و آداب مذهبی خویش عمل کنند» (صفت گل و تاته روساساجیما، ۱۳۷۹: ۹۰).

وی اشاره می کند که در ایران اعمال و عبادت های روز یکشنبه را بعنوان روز مقدس، انجام می داد و حتی ناظر دربار، مانع انجام این آداب نمی شد (شاردن، ۱۳۳۵: ۹/۱). وی می گوید: « در آیین اسلام کینه ورزی نسبت به غیر مسلمانان به شدت برخلاف انسانیت است» (همان، ۱۵/۸). در شهر اصفهان پیروان مذاهب مختلف از جمله مسیحی، کلیمی، کافر و آتش پرست زندگی می کنند و بازرگانانی از هر گوشه ی دنیا در آن گرد آمده اند (شاردن، ۱۳۷۲: ۲۰۲).

این درحالی بود که در سرزمین مادریش فرانسه، کاتولیک ها برای زندگی راحت تر پروتستان ها را از سرزمین خودشان آواره می کردند و اندکی از حق خود پایین تر نمی آمدند.

البته ناگفته نماند که شاردن در جایی دیگر از برخی آداب شیعیان بانام خرافه یاد می کند؛ خرافات مربوط به فرقه ی شیعه همانند آداب کاتولیک نزد شاردن ناخوشایند است که این مطلب را می توان از نوشته ی وی درباره مسجد آقانور متوجه شد: « جایی که به نشانه ی جای پای امام اول متبرک خوانده می شود و مسیحی ها این مطلب را درک نمی کنند و در صورت تمایل به تشیع متوجه آن خواهند شد. من این مطلب خنده دار را به رافائل دومان گفتم. او مرا از خندیدن منع کرد، چرا که در کلیسای مسیحیان نیز برای باوراندن معجزه ها به طرفداران، کشیش ها متوسل به چنین خرافاتی می شوند» (Chardin, 1811 : 2/76). یا احادیث مربوط

به شیعه و سنی را خیلی جدی نمی‌گیرد و آن‌ها را توده‌ای افسانه که داستان‌های اخلاقی نشان می‌دهند، معرفی می‌کند.

قصد شاردن انتقاد به مذهب نیست بلکه نسبت دادن خرافات به مذهب شیعه و کاتولیک مسیحیت و از اعتبار انداختن این دو در ذهن مخاطب است که این خرافات در آداب آن‌ها هم مشاهده می‌شود: شاردن در دست طرفداران امام اول عادت‌ی بنام تسبیح انداختن بدون داشتن دلیل روشن می‌بیند: «متدینان و خرافاتی‌ها در کوچه‌ها و خیابان‌ها در حال چرخاندن دانه‌های تسبیح هستند» (Chardin, 1811 : 4/118). این مطلب نمازهای یومیه شیعیان را به یاد او می‌آورد، البته نمازهایی که بیشتر زبانی هستند تا قلبی. شاردن توصیه‌ای به پیدا کردن شباهت میان ریاکاری‌های شرقی و غربی ندارد و درحقیقت پیوند واقعی بین این آداب را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

از نوشته‌ی شاردن می‌توان متوجه شد که با ذکر این مسائل، باز هم دنیای مسلمانان با دنیای کاتولیک فاصله‌ی زیادی دارد؛ اگر مسلمانان علی (ع) و محمد (ص) را در نماز صدا می‌زنند مقصد نهایی پروردگار است و در حقیقت ایشان واسطه هستند. شاردن اصلاح طلب، درصدد پیدا کردن شباهت نیست بلکه در دید وی مبلغان کاتولیک در طول حضور خود در ایران به ناحق به دنبال پیدا کردن تلاقی‌هایی بین آداب مذهبی خود و مسلمانان، با هدف کاتولیک کردن آن‌ها هستند. اگرچه در نگاه او، اسلام شیعی یا همان اسلام ایرانی شباهت‌هایی با کاتولیک از لحاظ امور خرافه و در برخی موارد با پروتستان، دارد اما شاردن دکترین اسلام را متمایز از کاتولیسیسم می‌داند. این ناسازگاری اعتقادی را در تفاسیر آثارش برای خواننده‌ی مشتاق به مسیحی کردن ایرانیان توضیح می‌دهد. اگر توصیفاتی قابل توجه از متون اسلامی در نوشتارش دارد، اما احساس واقعی و اعتقادات پروتستانی خود را از خلال دیده‌ها، مقایسه‌ها یا تفاسیر بحث‌برانگیزش از شیعیان به طور غیر مستقیم بیان می‌کند.

نتیجه گیری

سفرنامه‌های عهد صفوی در میان تعداد قابل توجه سفرنامه‌هایی که در باب ایران نگاشته شده است، سهم قابل توجهی در انتقال اختلافات مذهبی در ایران داشته است. بدون شک انتقال این اطلاعات، در کیفیت شناخت و آگاهی اروپائیان در ادوار بعد نقش بسزائی داشته است. به نظر می‌رسد که نظرات سیاحان و بخصوص شاردن در باب اسلام ایرانی و شیعه دوازده امامی خارج از دغدغه‌های مذهبی نبوده و هرگاه تلاش بر ترسیم فضای شیعی در نوشته‌ها و توصیف حکایات و مسائل مربوط به آن را داشته، همواره احساسات و اعتقادات پروتستانی خود را در آن دخیل می‌کرده است. بنابراین از ورای نوشته‌های متفاوت سیاحان در باب اختلافات موجود مذهبی در ایران عصر صفوی، می‌توان نتیجه گرفت که شیعه‌ی ایرانی نوعی قرابت و همراهی با اعتقادات سیاحان پروتستان در باب جدایی از دینی که از آن مشتق شده‌اند، داشته است. اما در باب پرداختن به خرافات و بدعت‌ها توسط ایرانیان شیعه آن زمان، می‌توان نقطه‌ی افتراقی مابین دو مسلک شیعه و پروتستان یافت، این نوع اختلافات نیز بین اسلام و دین زرتشت مورد توجه قرار گرفته است و از این نکته می‌توان فهمید که سیاحان و بخصوص شاردن سعی کرده‌اند تا با ارائه‌ی توصیفات خود از این مسائل، خوانندگان خود را به این مسئله توجه دهند که در باب اختلافات مذهبی در ایران عصر صفوی همواره تحلیلی دقیق و موشکافانه داشته باشند که تنها به دنبال ارائه کلیشه‌های خاص نبوده و نسبت به واقعیت تغییرات در جامعه حساس بوده باشند. ذکر این مطلب نیز الزامیست که گرچه شخص شاردن در اثر خود بیشتر به مذهب شیعه پرداخته، اما نگاه وی دوسویه بوده است، از یک سو در جایی با شیعیان ایران به دلیل در اقلیت بودن آنان در تمام جهان اسلام همزادپنداری می‌کند و و در سوئی دیگر آنان را به باد انتقاد می‌گیرد که این انتقاد هم به دلیل عدم درک سیاحان از واقعیت و فقه شیعی و نیز با اهداف سیاسی صورت گرفته است چرا که بارها متوجه پایین آوردن ارزش اسلام و تشیع در نوشته‌های سیاحان بوده‌ایم. شخصی چون شاردن گاهی با وجود داشتن اسناد علیه تصویر

ترسیم شده‌ی هراس انگیز اسلام در اذهان غربی‌ها، به جرگه‌ی آنان می‌پیوندد و اسلام را دربردارنده‌ی تمام بدی‌ها می‌داند، یا درجایی دیگر نسبت به آداب شیعه و کاتولیک موضع گرفته و آن‌ها را خرافه می‌خواند. پیترو دلاواله با استقرار در ایران و مقایسه‌ی شیعیان با سنی‌ها، اهل تشیع را برتر از اهل تسنن می‌داند، البته هرچند در نوع نگاه او ثبات مشخصی نیست. اما باید این نکته را اضافه کنیم که هیچ اروپایی دیگر به اندازه‌ی شاردن، دنیای غرب را با ایران، بخصوص ایران صفوی آشنا نساخت.

گاهی که در نگاه شاردن، نکات مثبت اسلام بیشتر از مسیحیت باشد، آن را ترجیح می‌دهد و سعی می‌کند تا فاصله‌ی خود را با آن کم کند اگرچه این امر الزاما به معنای یکی شدن با آن نیست.

با خواندن سفرنامه‌ی این سیاحان، می‌توان متوجه تمایز جدی میان اروپای غربی و ایران اسلامی شد؛ هرچند امروزه چنین وانمود می‌شود که اروپا در طول تاریخ نسبت به مذاهب گوناگون تساهل و تسامح بیشتری داشته و دنیای اسلام نسبت به امور مذهبی متعصب بوده است اما می‌توان به طور واضح ملاحظه کرد که اغلب این سیاحان به دلیل جهت‌گیری‌های سیاسی و یا تفاوت‌های اعتقادی، بسیاری از مناسک و اصول اسلامی را به شیوه‌ی ناصحیح و گاهاً مغرضانه بیان کرده‌اند که این خود نشان دهنده دانش ناکافی ایشان در درک هرچه بهتر از فرهنگ و تمدن ایران اسلامی است بعلاوه سفرنامه‌نویسان خود را ملزم به رعایت نیاز مسیحیان می‌دانند و نه مردم ایران. واضح است که بیشتر مخاطبان سفرنامه‌نویسان از مغرب زمین بوده و از این منظر همواره سعی داشته تا موجبات رضایت خاطر آنان را فراهم سازند.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که علیرغم تمامی این نوشته‌های مغرضانه، اسلام شیعی توانسته در طول تاریخ جنبه رحمانیت خویش را چه در برخورد با هم مسلکان و چه با دیگر مذاهب اثبات کند و از ورای این توصیفات در تقابل و یا همزادپنداری پروتستان / کاتولیک و در طرف دیگر شیعه / سنی استقلال خود را حفظ کند.

فهرست منابع

- احمدوند، عباس. (۱۳۷۷). «گذری بر مطالعات شیعی در غرب». شماره ۶۳. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. مقالات و بررسی‌ها.
- اولناریوس، آدام. (۱۳۸۵). *سفرنامه آدام اولناریوس*. ترجمه احمد بهپور. تهران. انتشارات ابتکار نو.
- پناهی، عباس. (۱۳۸۸). «بازتاب فرهنگ و اجتماع ایران در سفرنامه‌های اروپائیان». شماره ۱۳۳. ص ۶۹-۶۱. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. مجله کتاب ماه.
- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۸۳). *سفرنامه تاورنیه*. ترجمه حمید ارباب شیرانی. تهران. انتشارات نیلوفر.
- حدیدی، جواد. (۱۳۴۴). «جهانگردان فرانسوی در ایران (سده هفدهم میلادی)». شماره ۴. مجله دانشکده ادبیات مشهد. سال اول.
- خاتون آبادی، میرمحمدباقر. (۱۳۷۵). ترجمه اناجیل اربعه، به کوشش رسول جعفریان. تهران. نشر میراث مکتوب.
- دلاواله، پیترو. (۱۳۷۰). *سفرنامه پیترو دلاواله*. ترجمه شعاع‌الدین شفا. ج ۲. تهران. علمی فرهنگی.
- شاردن، ژان. (۱۳۷۲). *سفرنامه*. ترجمه اقبال یغمایی. تهران. انتشارات تونس.
- (۱۳۶۲). *سفرنامه شاردن (بخش اصفهان)*. ترجمه حسین عریضی. تهران. نشر نگاه.
- (۱۳۵۰). *سیاحتنامه شاردن*. ترجمه محمد عباسی. تهران. انتشارات امیرکبیر.
- جلد ۴. چاپ دوم.

----- (۱۳۳۵). سیاحتنامه شاردن. ترجمه محمد عباسی. تهران. انتشارات امیرکبیر.

جلد ۱.

صفت گل، منصور. روساساجیما، تاته. (۱۳۷۹). «زندگانی ژان شاردن - جهان اسلام و اروپا در سده‌ی هفدهم میلادی - تألیف پروفسور ماساشی هانه دا». ص ۸۶-۹۲. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (علامه). (۱۳۴۸). شیعه در اسلام. با مقدمه دکتر حسین نصر. بی‌جا. قائم.

علوی‌زاده، فرزانه. (۱۳۹۳). «تصویر ایران و ایرانی در سفرنامه شاردن». شماره ۱۸۵. ص ۱۴۷-۱۷۰. جستارهای ادبی.

فروغی، حسن. (۱۳۸۱). «تأثیر سفرنامه‌های فرانسوی مربوط به ایران بر ذهنیت خوانندگان در قرن هجدهم». شماره ۱۳. ص ۵۱-۷۸. پژوهش زبان‌های خارجی.

فیگوئرا، دن گارسیا دسیلوا. (۱۳۶۴). سفرنامه. ترجمه غلامرضا سعیدی. تهران. کروسینسکی، تادیوزیودا. (۱۳۶۳). سفرنامه کروسینسکی، یادداشت‌های کشیش لهستانی عصر صفوی. ترجمه عبدالرضا بیگ دنبلی. تهران. بی‌جا.

کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۳). سفرنامه کمپفر. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران. انتشارات خوارزمی.

کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۰). سفرنامه کمپفر. تهران. انتشارات خوارزمی. چاپ دوم.

لین، تونی. (۱۳۸۰). تاریخ تفکر مسیحی. ترجمه روبرت آسریان. تهران. انتشارات فرزاد.

References

Bainton, Roland H.(1956). *The Age of the Reformation*, Canada, Princeton.

Browne, E. (1953). *Aliterary history of Persia*. IVthVol. Cambridge university press.

Chardin, J. (1811). *Voyage en Perse et aux Indes orientales*, Paris. 10 Vol.

Donaldson, Dewiet.M.(1933). *The sh'ite religion, A history of Islam in Persia and Iraq*. London, Luzac and Co.